

تحلیل مضمون «قانون‌مداری» و رابطه آن با افزایش سرمایه اجتماعی در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سیدحسین افتخار افضلی، ابراهیم کلانتری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

چکیده:

بهره‌گیری از مزایا و ثمرات سرمایه اجتماعی به منظور دستیابی به اهداف والای نظام سیاسی، در صورتی در سطح جامعه رخ می‌دهد که بتوان از تأثیر هنجارها و شبکه‌های تسهیل‌کننده آن اطلاع پیدا کرد. قانون‌مداری به عنوان امری که همواره از ضروریات زندگی اجتماعی بشر بوده است از جمله هنجارهایی است که نقشی مهم در تحکیم ساختارهای گروه و افزایش سرمایه اجتماعی دارد. بدین منظور پژوهش حاضر به دنبال واکاوی و کشف شبکه مضامین اصلی و مرکزی «قانون‌مداری»، از طریق الگوی تحلیل مضمون، در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌باشد. در این پژوهش، ضمن تبیین روش تحلیل مضمون و با استفاده از تکنیک تحلیل شبکه مضامین، بعد از مطالعه، تجزیه و بازآرایی دقیق ۹۵۰ داده متن اصلی، نهایتاً تعداد ۶ مضمون مرکزی و فراگیر «قانون‌مداری» به عنوان مؤلفه افزایش سرمایه اجتماعی، در منظومه فکری مقام معظم رهبری، تشریح و مورد تحلیل قرار گرفت. در انتها نیز سه راهکار برای تقویت سرمایه اجتماعی در این زمینه پیشنهاد گردید. نخست: همه افراد جامعه به ویژه کارگزاران و نخبگان نسبت به پایبندی به قانون کاملاً متعهد باشند. دوم: قوه مقننه با یک عزم جدی به دنبال تنقیح و اصلاح قوانین زائد، ناقص، متضاد و مبهم باشد. سوم: نظارت بر اجرای درست و صحیح و به موقع قانون نیز یکی دیگر از وظایف روشن و غیرقابل چشم‌پوشی از سوی مراکز مربوطه می‌باشد، که می‌تواند تا حد بسیاری در بهبود اعتماد و ارتقای سرمایه اجتماعی مؤثر باشد.

واژگان اصلی: سرمایه اجتماعی، قانون‌مداری، تحلیل مضمون، منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای.

مقدمه

سرمایه اجتماعی، به عنوان یک مفهوم چند بعدی پیچیده که ابعاد، عناصر و سطوح اندازه‌گیری مختلفی دارد؛ یکی از قدرتمندترین و پرطرفدارترین استعاره‌های کنونی تحقیقات علوم اجتماعی است که به طور گسترده به عنوان روابط جامعه که بر تعاملات شخصی تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد (Durlauf and Fafchamps, 2005: 1642). مفهوم سرمایه اجتماعی در اغلب جنبه‌ها و زمینه‌های حاکمیتی، سیاسی و فرهنگی به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم تحقیقاتی ظهور و بروز یافته است. اهمیت سرمایه اجتماعی تا آنجاست که به یکی از متغیرهای اساسی توضیح دهنده نابرابری‌های اجتماعی، سطح بزهکاری و کیفیت زندگی در برخی کشورها تبدیل شده است (Guomundsson and Mikiewicz, 2012: 55). در طول سه دهه گذشته اصطلاح سرمایه اجتماعی در زمینه‌های مختلف مطالعاتی ارتباط عمیقی با علوم اجتماعی (به عنوان مثال: جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، تجارت و غیره)، در جنبه‌های نظری و کاربردی پیدا کرده است (Ortiz et al, 2019: 139). به طوری که در طی این دوره زمانی، بسیاری از جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی توجه خود را به کاربرد و تحلیل مفهوم «سرمایه اجتماعی» معطوف کرده‌اند (World Bank, 2011: 3).

سرمایه اجتماعی، «اصطلاح گسترده‌ای است که هنجارها و شبکه‌های تسهیل‌کننده اقدام جمعی به نفع متقابل را در بر می‌گیرد» (Woolcock 1998: 155). ادعا بر این است که این هنجارها به عنوان منابع بالفعل و بالقوه می‌توانند شبکه‌ی اعتمادی را در بین افراد ایجاد کند که در بهبود روابط تجاری، توسعه و حکمرانی خوب ضروری است (Nahapiet and Ghoshal, 1998 ; Berraies, et al, 2020). این شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی دارایی‌هایی را به دست می‌دهد که می‌توانند مادی باشند، مانند منابع و خدمات، یا غیر مادی، مانند پشتیبانی یا پرستیژ. تمرکز در اینجا بر روی هنجارها و ارزش‌هایی است که زیربنای شبکه‌های مؤثر، اعتماد، حاکمیت قانون، مشارکت مدنی و مانند آن است. به طوری کلی بهره‌گیری از مزایا و ثمرات سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی آن، در صورتی در سطح جامعه رخ می‌دهد که بتوان از تأثیر این هنجارها اطلاع پیدا کرد که مورد وثوق اکثر دانشمندان سراسر جهان است. قانون و «قانون‌مداری» یکی از این هنجارها و عوامل است که نقشی مهم در ساخت قانده‌مند شبکه‌ی اعتماد در جامعه و ارتقاء و تحکیم سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند. از این رو، مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با توجه به این خلأ تحقیقاتی، به بررسی و اهمیت جایگاه مؤلفه قانون‌مداری در رشد و توسعه سرمایه اجتماعی

بپردازد تا بتوان با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، نتایج تأثیرگذار آن را با تمسک بر منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای، استخراج نماید.

تعاریف نظری و عملیاتی

الف: سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی است شهودی که بخش مهمی از زندگی امروزه انسان‌ها است، اما به عنوان یک نظریه فوق‌العاده پیچیده، ابعاد متعددی ارائه می‌دهد که در سطوح مختلف با طیفی از عوامل مختلف که تعیین می‌کنند تأثیرات مثبت یا منفی دارد، عمل می‌کند. کارشناسان سرمایه اجتماعی می‌توانند این مفهوم را تقریباً عرفانی به نظر برسانند، و برای بسیاری از مردم که برای اولین بار به سرمایه اجتماعی نزدیک می‌شوند، می‌تواند دلهره‌آور باشد (Claridge, 2018: 5).

از منظر تاریخی، اگر چه مفهوم سرمایه اجتماعی در سه دهه اخیر مطرح شد، اما منشأ آن را می‌توان به اواسط قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ردیابی کرد. الکسیس دو توکویل محقق فرانسوی، در سال ۱۸۳۵ رفاه آمریکایی‌ها را به مشارکت اجتماعی و دموکراسی مرتبط کرد که شرایط برابری را تسهیل می‌کرد. پس از آن، جان دیویی، یک متخصص تعلیم و تربیت آمریکایی، این اصطلاح را در سال ۱۹۰۰ به کار برد. هانیفان، محقق دیگر، در سال ۱۹۱۶ به مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره کرد. در این زمینه، جنبه‌های (ملموس) مانند حسن نیت، معاشرت، همدردی متقابل و آمیزش اجتماعی که بیشترین سهم را در زندگی روزمره مردم دارند انباشت سرمایه اجتماعی دارای پتانسیل در بهبود شرایط زندگی جامعه یا گروه می‌دانست. بعد از آن، اصطلاح سرمایه اجتماعی توسط جین جاکوب در کارهای خود در اوایل دهه ۱۹۶۰ و به دنبال آن در آثار رابرت سالزبری گنجانده شد. (Motkuri, 2018: 3) عده‌ای نیز معتقدند؛ تاریخچه سرمایه اجتماعی به اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت، جان استوارت میل و جامعه‌شناسانی مانند ماکس وبر که تبیین فرهنگی به پدیده‌های اقتصادی ارائه کردند بر می‌گردد. (Bhandar and Yasunobu, 2009: 486)

سرمایه اجتماعی دارایی است که امکان همکاری، هماهنگی و همزیستی بیشتر را به انسان‌ها می‌دهد (Claridge, 2018: 5). در مورد مفهوم و اجزا و عوامل اصلی سرمایه اجتماعی با وجود مطالعات فراوان و متعدد پیرامون آن، از آنجا که دارای یک ساختار چند وجهی است انتظار وجود

یک تعریف واحد و مورد پذیرش همگانی برای سرمایه اجتماعی دور از ذهن است.

۱. لیدا جودسون هانیفان؛ جامعه شناس فرانسوی که تمرکز او بر مراکز اجتماعی مدارس روستایی بود آن را چنین تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی ... به آن دسته از دارایی‌های ملموس اطلاق می‌شود که بیشترین سهم را در زندگی روزمره مردم دارند (Hanifan, 1916: 130)، یعنی حسن نیت، معاشرت، همدردی و معاشرت اجتماعی در میان افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند.» (Hanifan, 1920: 78) اوستروم اعتقاد دارد: سرمایه اجتماعی دانش مشترک، درک، هنجارها، قواعد و انتظارات در مورد الگوهای تعاملی است که گروهی از افراد به طور مکرر به ارمغان می‌آورند (Ostrom, 2000: 176). بولز و گیتیس به همین روش بیان می‌کنند: سرمایه اجتماعی به طور کلی به اعتماد، توجه به همکاران، تمایل فرد به زندگی کردن بر اساس هنجارهای جامعه خود و مجازات کسانی که این کار را نمی‌کنند، اشاره دارد (Bowles and Gintis, 2002: 2).

۲. لین؛ سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «سرمایه گذاری در روابط اجتماعی با انتظارات در بازار باز می‌گردد» (Lin, 2001: 19). از نظر عملیاتی، لین سرمایه اجتماعی را به عنوان «...منابعی که در شبکه‌های اجتماعی تعبیه شده است و توسط بازیگران برای اقدامات مورد استفاده قرار می‌گیرد» (Lin, 2001: 24-25) تعریف کرده است. این تعریف تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی پایگاه اصلی خود را در درون افراد ندارد، بلکه در شبکه‌های اجتماعی قرار داده است، در حالی که از سوی دیگر توسط افراد استفاده می‌شود (Guomundsson and Mikiewicz, 2012: 57). با توجه به تعریف عملیاتی شده توسط لین، این مفهوم دارای دو مؤلفه مهم است: اول؛ منابعی را نشان می‌دهد که در روابط اجتماعی به جای افراد تعبیه شده است، و دوم؛ دسترسی و استفاده از چنین منابعی در اختیار بازیگران است. از این تعاریف، می‌توان سه ایده اصلی و اساسی را متمایز کرد: (۱) سرمایه اجتماعی اثرات خارجی مثبتی را برای اعضای یک گروه ایجاد می‌کند (۲) این عوامل خارجی از طریق اعتماد مشترک، هنجارها و ارزش‌ها و اثرات متعاقب آن بر انتظارات و رفتار آنها به دست می‌آیند؛ (۳) اعتماد، هنجارها و ارزش‌های مشترک از اشکال غیررسمی سازمان‌ها در شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌ها ناشی می‌شوند (Durlauf and Fafchamps, 2005: 1643). به نظر می‌رسد، عاملی که جامعه را در کنار هم نگه می‌دارد، احساس تعلق و هنجارهای مشترک برای یک نظم اجتماعی کارآمد است. بنابراین می‌توان از

روابط اجتماعی نام برد که شامل عناصر حیاتی خاصی مانند اعتماد، تعامل متقابل، هنجارهای مشترک و همکاری باشد. از نظر ماهیت سرمایه اجتماعی به عنوان «مجموع منابع بالفعل و بالقوه تعبیه شده در درون، در دسترس و مشتق از شبکه روابطی است که یک فرد یا یک واحد اجتماعی در اختیار دارد» (Nahapiet and Ghoshal, 1998 ; Berraies, et al, 2020)

۳. جیمز کلمن: با استفاده از تحقیقات تجربی و تحلیل‌های نوآورانه خود بر روابط خانوادگی و روابط جامعه تمرکز کرد. از نظر وی، سرمایه اجتماعی با عملکرد آن تعریف می‌شود. این یک موجودیت واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از موجودیت‌های مختلف، با دو عنصر مشترک است: همگی از جنبه‌های ساختارهای اجتماعی تشکیل شده‌اند و اقدامات خاصی از بازیگران - خواه افراد یا بازیگران شرکتی - را در ساختار تسهیل می‌کنند. ساختار کلی سرمایه اجتماعی وی در موارد زیر است: ۱. تعهدات، انتظارات و امانتداری در ساختارها ۲. کانال‌های اطلاع‌رسانی ۳. هنجارها و تحریم‌های مؤثر. او با استفاده از نمونه‌های عظیم خود توانست ارتباطی بین عملکرد آموزشی و روابط خانوادگی و اجتماعی برقرار کند. مفهوم سازی کلمن تا حد زیادی مدیون تاکید دورکیم در مورد انسجام اجتماعی است. بر اساس این دیدگاه، جوانانی که از لحاظ اجتماعی تحرک دارند، معمولاً از خانواده‌هایی هستند که روابط درونی قوی دارند. جایی که والدین از طریق مدرسه فرزندان خود را تشویق و حمایت می‌کنند. این خانواده‌ها احتمالاً به شدت در جامعه‌ای که ممکن است حول یک کلیسا و یا سازمان‌های دیگر متمرکز شود، هنجارها و باورهای مشترک در تعامل روزمره را تقویت می‌کنند (Guomundsson and Mikiewicz, 2012: 59).

۴. رابرت پاتنام: نقش برجسته‌ای در رواج مفهوم سرمایه اجتماعی ایفا کرد. او سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «... ویژگی‌های سازمان اجتماعی، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل اقدامات هماهنگ بهبود بخشد» (Putnam, 1993: 167). سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای افراد اشاره دارد که عمل متقابل و قابل اعتماد از آنها ناشی می‌شود (Putnam, 2000: 18-19). کار اولیه وی در ایتالیا، نشان می‌دهد که تفاوت در سرمایه اجتماعی بین شمال و جنوب از قرن دوازدهم ادامه دارد. پاتنام در تحلیل خود از فرهنگ سیاسی در جوامع ایتالیا اشاره می‌کند که روستاها و شهرهای «سستی» در جنوب ایتالیا بسیار باستانی و اقتدارگرا بودند که شهروندان بی‌اعتماد به یکدیگر را پرورش دادند. در حالی که شهرهای مدرن‌تر در شمال، داوطلبانه مشارکت مدنی را تقویت می‌کردند. بنابراین، ایده آل

او برای جوامعی با سرمایه اجتماعی غنی به وضوح به مقوله دورکیمی «همبستگی ارگانیک»، به جای "همبستگی مکانیکی تعلق دارد" (Guomundsson and Mikiewicz, 2012: 63).

۵. پیر بوردیو؛ سرمایه اجتماعی را به طور ذاتی با نابرابری اجتماعی مرتبط می‌داند و به عنوان یکی از دارایی‌هایی که از یک نسل به دیگری منتقل می‌شود و ارتباط تنگاتنگی با سایر دارایی‌ها، عمدتاً سرمایه فرهنگی دارد معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، سرمایه اجتماعی امری است که «متشکل از تعهدات یا ارتباطات اجتماعی، مجموع منابع بالفعل یا بالقوه که به داشتن شبکه‌ای بادوام از روابط نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل مرتبط است» (Guomundsson and Mikiewicz, 2012: 65).

وجوه مشترک اکثر تعاریف سرمایه اجتماعی این است که بر ساختارهای اجتماعی که دارای مزایای تولیدی هستند تمرکز می‌کنند. تنوع تعاریف شناسایی شده در ادبیات، از ماهیت بسیار خاص سرمایه اجتماعی و پیچیدگی مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی آن ناشی می‌شود (Claridge, 2018: 11). تمام مشارکت‌های نظری اصلی، بوردیو، کلمن، پاتنام و لین بر این نکته تأکید دارند که سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی گنجانده شده است.

اعتقاد بر این است که سرمایه اجتماعی در سلسله مراتب متفاوتی در جامعه وجود دارد. در نتیجه می‌تواند در سطوح مختلف اندازه‌گیری و تحلیل شود. از دیدگاه سطوح تحلیل، ادبیات موجود سرمایه اجتماعی در گروه‌های متفاوتی طبقه بندی شده‌اند. یکی از این سطوح سطح خرد و کلان است.

سطح خرد و کلان:

برخی از نویسندگان به تعمیم فردی و جمعی رویکرد سرمایه اجتماعی می‌پردازند. سطح و تحلیل سرمایه اجتماعی در سطوح چندگانه: خرد، میانه، و کلان است. سرمایه اجتماعی، در سطح خرد، به روابط بین افراد، خانواده‌ها و محله‌ها؛ در سطح میانه، بر جوامع، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها تمرکز دارد. و در سطح کلان آن بر اشکال محیط نهادی و سیاسی در ملت‌ها یا دولت‌ها تمرکز دارد. هالپرن سرمایه اجتماعی خرد، میانه و کلان را به عنوان روابط اجتماعی در میان افراد متمایز می‌کند (Bhandar and Yasunobu, 2009: 504). این بدان معناست که رویکرد خرد بر ماهیت و اشکال رفتار تعاونی تأکید دارد. رویکرد کلان بر شرایط (مطلوب یا نامطلوب) برای همکاری تمرکز می‌کند. رویکرد میانه ساختارهایی را برجسته می‌کند که امکان همکاری را فراهم

می‌کند همچنین، استدلال می‌شود که رویکرد خرد بر ارزش‌کنش جمعی تمرکز دارد. رویکرد میانی بر ساختاری که همکاری را امکان‌پذیر می‌کند، تمرکز می‌کند و رویکرد کلان بر ارزش یکپارچگی و انسجام اجتماعی متمرکز است. از این منظر، سرمایه اجتماعی کلان شامل روابط نهادی رسمی و ساختارهای حاکم بر رژیم سیاسی، جامعه مدنی، مبارزه با فساد، حاکمیت قانون، و دولت شده است. بنابراین سرمایه اجتماعی را می‌توان در سطوح مختلف اندازه‌گیری و تحلیل کرد و هر سطحی دیدگاه‌ها، نتایج و پیامدهای متفاوتی را برای سیاست عمومی به همراه دارد (Bhandar and Yasunobu, 2009: 505). یکی از این دیدگاه‌ها، دیدگاه نهادی نام دارد. دیدگاه نهادی؛ استدلال می‌کند که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی تا حد زیادی محصول این محیط سیاسی، حقوقی و نهادی است. این رویکرد استدلال می‌کند که ظرفیت اجتماعی گروه‌ها برای اقدام در جهت منافع جمعی خود، به کیفیت نهادهای رسمی که تحت آن ساکن هستند بستگی دارد. همچنین تأکید می‌کند که عملکرد خود دولت‌ها و شرکت‌ها به انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت و پاسخگویی خارجی آنها به جامعه مدنی کمک می‌کند. از این منظر مواردی مانند «اعتماد عمومی»، «حاکمیت قانون و قانون‌مداری»، «کیفیت بروکراتیک»، «مقابله با فساد» و «آزادی‌ها و مسؤولیت‌های مدنی» می‌تواند نتایج مثبتی را در جهت سرمایه اجتماعی به همراه داشته باشد. این دیدگاه با رویکرد و تعریفی که پاتنام از سرمایه اجتماعی می‌کند نزدیک است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان «شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مرتبط با آن» و «عمل متقابل و قابل اعتماد بودن» تعریف می‌کند. تمرکز در اینجا بر روی هنجارها است و ارزش‌هایی که او پیشنهاد می‌کند زیربنای شبکه‌های مؤثر، اعتماد و مشارکت مدنی و مانند آن است. یکی از این هنجارها احترام به حاکمیت قانون و قانون‌مداری است. هنجار قانون‌مداری به عنوان هنجاری شناخته می‌شود که کنش جمعی را تشویق می‌کند و نتیجتاً بهره‌گیری از مزایا و ثمرات سرمایه اجتماعی را در سطح جامعه افزایش می‌دهد.

ب: قانون‌مداری

"قانون" واژه‌ای عربی و به معنای اصل، امری است کلی که بر همه جزئیات منطبق می‌گردد و احکام جزئیات از آن شناخته می‌شوند (دهخدا، ۱۳۶۴، ج ۳۸). به مانند هر مفهوم دیگری «قانون» نیز ویژگی‌های دارد که نمایانگر کارکردهای متفاوت آن است. یکی از ویژگی‌های ذاتی آن عام بودن است. به این معنی که قانون یک فائده کلی است و امری شخصی نیست. عام بودن به این

معنی است که قانون بر یک «رفتار کلی» در سطح تمام افراد شمول خود دلالت دارد (راسخ، ۱۳۸۵: ۱۸) و هیچ شخصی (از مردم و حاکمان) خارج از شمول قانون قرار نمی‌گیرد. همین رفتار یکپارچه و کلی، افزون بر ایجاد نظم و قاعده در روابط اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی را نیز تضمین می‌نماید. در واقع «قانون‌مداری» به این معنی که فرد با کنترل تمایلات فزون‌طلبانه شخصی خود و عدم تجاوز به حقوق دیگران، موجبات تقویت ساختارهای جامعه و گروه را فراهم می‌نماید. با التزام به قانون و قانون‌مداری است که هرج و مرج، ظلم و تبعیض در جامعه کمتر خواهد شد و مسیر رشد و پیشرفت همه افراد در جامعه نیز از فراز و نشیب کمتری برخوردار خواهد بود. از همین رو علامه طباطبایی معتقد است؛ قانون وسیله لازم برای نیکبختی و کمال عمومی است (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۱۵۹). از آنجا که یکی از مهم‌ترین کارکردهای قانون، پیوند دادن و سامان دادن به رفتارهای متقابل اجتماعی است، بلاشک رواج قانون‌مداری در هر جامعه‌ای سبب تقویت و افزایش همدلی و همبستگی میان آحاد جامعه می‌گردد و از جمله شاخصه‌های مهم یک جامعه مترقی است. این امر در یک نظام دینی به واسطه اینکه از یک التزام شرعی هم برخوردار است والاتر و عمیق‌تر خواهد بود. در نظام دینی جمهوری اسلامی، ظهور و بروز رفتارهای قاعده‌مند و منطبق بر قانون به ویژه از سوی حاکمان و نخبگان بلاشک عاملی مهم در ترغیب بیشتر مردم برای التزام آنان به قانون و همسوس شدن با یکدیگر خواهد بود. بنابراین التزام به قانون و قانون‌مداری به واسطه تقویت ساختارهای جامعه و گروه، افزایش اعتماد و تحکیم همبستگی، عاملی مهم در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی می‌باشد.

پ: تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، به عنوان یک روش ساده و البته کارآمد اینگونه تعریف شده است؛ یک روش تحلیل کیفی است که برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده می‌شود. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (شیخ زاده و همکاران: ۱۳۹۰، ۱۵۳). تحلیل مضمون اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌کند. به طور کلی تحلیل مضمون در مقابل سایر روش‌های تحلیل کیفی، اولاً یک روش تحلیل انعطاف‌پذیر است به این معنی که طیف گسترده‌ای از ویژگی‌ها را می‌توان در آن به داده‌ها نسبت داد. ثانیاً اینکه به چارچوب نظری خاصی وابسته نیست. بلکه از آن می‌توان در

چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۱۹۲) و ثالثاً نسبت به سایر روش‌ها به دقت و زمان بیشتری نیاز دارد.

تکنیک تحلیل مضمون:

اگرچه در تحلیل مضمون، از روش‌های تحلیلی گسترده‌ای استفاده می‌شود اما در این مقاله تلاش می‌شود تا از روش کاربردی «شبکه مضامین» در پژوهش بهره گرفته شود.

شبکه مضامین:

آنچه که در روش شبکه مضامین عرضه می‌شود شبکه‌ای تارنمایی شکل؛ متشکل از مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر است. به این صورت که شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، ابتدا مضامین پایه که همان کدها و نکات کلیدی هستند را از متن استخراج می‌کند، سپس با دسته‌بندی و تلخیص این مضامین پایه‌ای، به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر که همان مضامین سازمان‌دهنده هستند دست پیدا می‌کند (ردادی، ۱۳۹۴: ۵۵) در مرحله سوم، مضامین فراگیر یا همان مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند. سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین هر سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. برخلاف روش‌های دیگر، شبکه‌ی مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شود. به طور کلی، در شبکه مضامین از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر انتقال پیدا می‌کنیم و در انتها به مضمون (یا مضامین) اصلی متن دست می‌یابیم (همان، ۵۵).

برای شناخت الگوی تحلیل مضمون «قانون مداری» در بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی، سه مرحله اصلی باید طی شود. در این رابطه کلیدواژه قانون و قانون‌مداری مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این زمینه، با مراجعه به گزینه «آرشیو موضوعی» از بخش «بیانات»، در پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، تعداد ۹۵۰ نتیجه در موضوع قانون و قانون‌مداری نمایش داده می‌شود. در نخستین مرحله بعد از مطالعه و مذاقه در همه‌ی ۹۵۰ داده‌ی متن اصلی؛ برای ۳۴ مورد از این داده‌ها، با استفاده از تجزیه و تنظیم دقیق متن؛ مضمون‌های پایه‌ای از طریق کدگذاری استخراج شده است. این مضامین پایه‌ای در واقع همان مضامینی هستند که با خواندن متن اصلی، مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. در جدول زیر این موارد نمایش داده شده است. برای بالاتر بردن دقت و سرعت در کدگذاری، از نرم‌افزار رایانه‌ای MaxQDA بهره گرفته شده است.

مضامین پایه‌ای مرتبط با قانون‌مداری در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	بیانات	مضامین پایه‌ای
۱	اگر قانون، درست و بسنده و قابل اجرا باشد و از ضمانت‌های اجرای آن بدرستی استفاده شود، کشور به هدف‌های والای خود دست می‌یابد (۱۳۹۹/۰۳/۰۷)	دستیابی به اهداف، منوط به اجرای درست قانون است
۲	همه قانون را معیار بدانند؛ ما از بی‌قانونی ضرر می‌کنیم، توصیه‌ی بنده، تأکید بنده، طلب بنده از دستگاه‌های مختلف، این است که همه تسلیم قانون باشند (۱۳۹۶/۱۰/۱۹)	معیار و ملاک عمل، قانون است
۳	قانون باید در پی حل مشکلات مردم باشد؛ اولویتهای داخلی را باید رعایت کند؛ در درجه‌ی اول درصدد رفع مشکل مردم ضعیف و طبقات ضعیف باشد. در کشور طبقاتی هستند که ضعیفند یا متوسطند یا زیر حدّ متوسطند؛ قانون بیشتر باید متوجه رفع مشکل اینها باشد. البته قانون برای همه است و خیرِ همه‌ی طبقات کشور را می‌خواهد -فرقی نمی‌کند- اما این در اولویت است، چون مسئله‌ی طبقات ضعیف، مشکلات فعلی زندگی است؛ [قانون] درصدد برطرف کردن این مشکلات باشد (۱۳۹۷/۰۳/۳۰)	با تصویب قانون، همه طبقات اعم از فقیر و غنی منتفع شوند
۴	قانون، راه پیشرفت کشور را هموار می‌کند و چنانچه برخی قوانین ایراد و یا با یکدیگر تعارض دارند، باید آنها را اصلاح کرد اما بنده به هیچ وجه قانون‌گریزی را قبول ندارم (۱۳۹۴/۰۴/۰۷).	قانون صحیح می‌تواند باعث سعادت کشور شود
۵	گاهی اوقات یک قانونی تصویب می‌شود که معلوم است عملی نیست، یعنی کار کارشناسی نشان نمی‌دهد که اگر این قانون تحقق پیدا کرد، این کار عملیاتی خواهد شد؛ [این] کنار گذاشته بشود (۱۳۹۷/۰۳/۳۰).	عدم لزوم قوانین فاقد ظرفیت عملیاتی شدن
۶	بعضی از مقررات هست که هیچ فایده‌ای ندارد و ضرر هم دارد؛ وجود این مقررات مانع از این است که دستگاه تولیدکننده و دستگاه اقتصادی فعال و مفید بتواند کار خودش را انجام بدهد (۱۳۹۹/۱۲/۱۷)	قوانین غیرکارشناسی شده می‌تواند مخلل نظام اقتصادی باشد
۷	چند سال قبل، قانونی در خود جمهوری اسلامی یا قبل از جمهوری اسلامی تصویب شده؛ قانون است لکن الان این قانون منطقی ندارد، این قانون را حذف کنید... قانونی را که منطقی ندارد و فلسفه‌ی وجودی‌اش تمام‌شده است، بایستی رها کرد. بعضی از قوانین هم موجب تضاد و اشکال کار و گره در انجام کارها و مانند اینها هستند. به‌معنای واقعی کلمه این مسئله‌ی تفتیح قوانین را [دنبال کنید]. بعضی از قوانین مشکل‌زا هستند، باید [آنها را] برطرف کرد (۱۳۹۷/۰۳/۳۰).	حذف یا اصلاح قوانین فاقد منطق و منطبق با مقتضیات زمان

<p>نمایندگان مجلس باید از تصویب قوانین فسادزا جلوگیری کنند</p>	<p>از قوانینی که زمینه‌ساز فساد است جلوگیری کنید، یعنی بدقت مراقب باشید. یکی از چیزهایی که حالا این مخصوص مجلس ما نیست - البته گاهی در مجلس ما هم اتفاق افتاده؛ چندباری بنده در این سالها یادم هست - اما در مجالس دنیا معمول است، [این است که] یک قانونی را تصویب می‌کنند و ده روز دیگر نسخ می‌کنند؛ در این ده روز، افرادی به میلیاردها می‌رسند! قانون فسادانگیز. یعنی این قانون جوری است که فرض کنید فروش یک چیزی را منع می‌کنند، ورود یک چیزی را یا صدور یک چیزی را منع می‌کنند، آن کسی که باید استفاده خودش را بکند، از این منع استفاده می‌کند، بعد ده روز دیگر آزاد می‌کنند؛ افراد یک شبه به میلیاردها می‌رسند. این قانون فسادانگیز است. از این قبیل قوانین وجود دارد؛ مراقب باشید قانونی که گذاشته می‌شود، ضد فساد باشد(۱۳۹۵/۳/۱۶).</p>	<p>۸</p>
<p>در وضع قانون، باید کیفیت و انسجام را در نظر گرفت</p>	<p>قانون را دوجور می‌شود گذارد و وضع کرد: خوب و بد؛ می‌شود خوب قانون‌گذاری کرد، می‌شود بد قانون‌گذاری کرد. صرفاً هم بد و خوب بودن به این نیست که قانون خوب باشد یا قانون بد باشد؛ نه، گاهی یک قانون خوب را شما وضع می‌کنید اما این وضع، بد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در کیفیت وضع این قانون رعایت دقت نشده، انسجام با بقیه‌ی قوانین مراعات نشده، وجود وضوح در قانون رعایت نشده. اولاً قانون بایستی باکیفیت باشد؛ افزایش قانون، زیاد بودن قانون خیلی چنگی به دل نمی‌زند؛ باید قانون باکیفیت باشد... دقت کنید که اولاً قانون متقن باشد، قانون اتقان داشته باشد؛ یعنی دلایل وضع این قانون جوری باشد که هرکس نگاه می‌کند، ببیند بله، این قانون، قانون متقنی است. همه‌جانبه‌نگر باشد؛ نگاه جزئی و بی‌توجه به جوانب گوناگون، قانون را از حیز انتفاع می‌اندازد. واضح باشد؛ جوری نباشد که بی‌درپی اصلاحات مکرر لازم داشته باشد، مرتب استفساریه بیاید مجلس؛ وقتی قانون واضح نبود، وقتی جامع نبود (۱۳۹۵/۰۳/۱۶).</p>	<p>۹</p>
<p>قانون باید جامع و کامل باشد</p>	<p>قانون باید کارآمد، روزآمد، شفاف، معطوف به نیازهای عمومی و تأمین‌کننده منافع ملی باشد. اولویت‌های کشور باید احصاء شود و جایگاهی شایسته را در اهتمام به قانون‌گذاری بیابد(۱۳۹۱/۳/۱۷).</p>	<p>۱۰</p>
<p>در برخی موارد، تکثیر قانون مشکل ایجاد می‌کند</p>	<p>"قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل می‌کند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس می‌تواند انجام بدهد؛ و[لا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل‌تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ اینها را باید شناسایی کرد و برداشت (۱۳۹۲/۱۲/۲۰).</p>	<p>۱۱</p>
<p>قانون نباید براساس</p>	<p>قانون تحت تأثیر نفوذ این و آن ... نباید قرار بگیرد. ما در مجالس قانون‌گذاری</p>	<p>۱۲</p>

<p>منافع شخصی تنظیم شود</p>	<p>دنیا شنیدیم - شاید یک مواردی هم در بین خودمان دیده شده است، نمی‌توانیم بکلی بگویم نبوده است - که گاهی برای اینکه منفعت یک کسی با یک کسان معدودی تأمین بشود، با عجله‌ی تمام یک قانونی در یک مجلسی از مجالس دنیا گذشته است و بعد که آن غرض حاصل شده است، به فاصله مدت کوتاهی - چندماه - آن قانون نسخ شده! از این قبیل موارد داشته‌ایم. خیلی بایست مراقبت کرد که قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد (۱۳۸۷/۳/۲۱)</p>	
<p>عمل نکردن به قوانین هرچند ناقص و معیوب، نباید در بین دستگاه‌ها نهادینه شود</p>	<p>قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاه‌ها این باید نهادینه بشود (۱۳۹۲/۰۶/۰۶)</p>	۱۳
<p>در مرحله عمل به قانون، ضابطه بر مصلحت‌اندیشی باید مقدم باشد</p>	<p>مر قانون باید رعایت شود. گاهی ممکن است انسان به نظرش برسد که اگر اینجا برطبق قانون عمل کنیم، مصلحت نباشد. در همانجا رعایت قانون از رعایت آن مصلحت بالاتر و لازم‌تر است؛ چون اگر چنانچه بنا شد که با نظر اشخاص و افراد و مصلحت‌اندیشی این و آن، معیارها و ضابطه‌ها به هم بخورد، دیگر ضابطه‌ای باقی نخواهد ماند؛ یک روز یک کسی یک جور مصلحت می‌داند، یک روز دیگر کس دیگری جور دیگری ممکن است مصلحت بداند، یا در یک روز دو نفر دو جور مصلحت بدانند؛ لذا دیگر قانونی باقی نمی‌ماند. ضابطه مقدم است بر هر مصلحت‌اندیشی، بر هر نگاهی و دید و بینش (۱۳۸۶/۰۴/۲۰).</p>	۱۴
<p>همه آحاد جامعه اعم از نخبگان و مردم در برابر قانون مساوی هستند</p>	<p>همه بایستی به قانون احترام بگذارند. و من به شما عرض بکنم؛ این مورد هم مثل موارد دیگر از چیزهایی است که فرهنگ آن بایستی از نخبگان سرریز بشود به بدنه‌ی جامعه. اگر شما که جزو نخبگان هستید، قانون را رعایت نکردید، انتظار نداشته باشید که بدنه‌ی جامعه قانون را رعایت کند. ادعای نخبگی بکنیم - نخبگی سیاسی، نخبگی علمی - اما در همان مورد کار خودمان به قانون بی‌اعتنائی کنیم (۱۳۸۸/۰۴/۰۳)</p>	۱۵
<p>نقض قانون بی قانونی‌های گسترده‌تری را در پی دارد</p>	<p>اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت. کار قانون‌شکنی اینجوری است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیله‌ی دیگران انجام بگیرد (۱۳۸۷/۰۶/۱۶).</p>	۱۶
<p>عدم تمکین به قانون روح دیکتاتوری را در</p>	<p>اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع دیکتاتوری همین جور به وجود می‌آید (۱۳۸۸/۰۴/۰۳)</p>	۱۷

درون انسان یی‌دار خواهد کرد		
رواج بی قانونی موجب بن بست امور خواهد شد	اگر بی قانونی رائج شد، کارها گره خواهد خورد(۱۳۸۷/۰۴/۰۳).	۱۸
عادت مردم به قانون‌گریزی عامل عقب‌ماندگی و انحطاط کشور است	اگر ملتی دچار بی قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد(۱۳۸۷/۰۱/۰۱).	۱۹
حدود و ثغور قانون باید منطبق بر نیازهای کل جامعه باشد	قانون باید جامع باشد، باید کامل باشد، باید ماندگار باشد، باید کارشناسی شده باشد، باید راهگشا باشد، باید ناظر به مشکلات زندگی مردم باشد. نمی‌گوییم قانونی که برای کوتاه مدت یک گره‌های را باز می‌کند، لازم نیست، چرا؛ بعضی از قوانین هست که یک گره کوتاه مدت را باز می‌کند، چاره‌ای هم نیست. بایستی این قانون گذاشته شود- اینچور قوانین هم داریم- لکن طبع اکثری و طبیعی قوانین این است که ماندگار، قابل تطبیق با شرایط گوناگون، مفید، صریح، شفاف و غیر قابل تأویل باشد؛ در چارچوب همان حدود و اختیاراتی که قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی معین کرده [است](۱۳۸۷/۰۳/۲۱)	۲۰
نقض قوانین توسط مسئولان، به عاداتی جهت تداوم قانون‌شکنی منجر خواهد شد	دولت به قانون اهمیت بدهد... مجلس، قوه قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، باید قانون را رعایت کنند... من می‌خواهم به شما عنوان مسئولین مجریه‌ی کشور سفارش اکید بکنم که به قانون اهمیت بدهید. اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت. کارِ قانون‌شکنی اینجوری است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیله‌ی دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئله‌ی قانون، خیلی اهمیت بدهید (۱۳۸۷/۰۶/۱۶).	۲۱
نتایج بی قانونی از تلخی تحمل قانون سخت‌تر است	اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَاَلْجَأْهُ عَلَيْهِ أُضِيقَ» (ابن ابی الحدید، ج ۷: ۳۷). عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، به مراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت‌تر است(۱۳۸۷/۰۴/۰۷).	۲۲

محدودیت قانون به معنای هدایت و حرکت در مسیر درست است	قانون، هدایت کننده است؛ محدودکننده نیست. قانون، راه را نشان می دهد که چگونه حرکت کنیم (۱۳۹۲/۰۳/۱۴).	۲۳
تبعیت از قانون باعث آرامش و حفظ وحدت ملی خواهد شد	همه ... باید تابع قانون باشند. آنجایی اشکال پیش می آید که تخلف از قانون انجام می گیرد. ... راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند. همه تابع قانون باشند. گاهی ممکن است یک قانون، صد درصد درست هم نباشد، اما از بی قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یک بخشی، یک خطائی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از این که بی قانونی کنیم؛ از راه بی قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه ی راه عمومی (۱۳۹۲/۰۲/۲۵)	۲۴
اظهارنظر مسئولان باید بر اساس قانون باشد	آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلاشهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هر کسی حرفی می زند، بر اساس قانون باشد؛ هر کسی توقعی دارد، بر اساس قانون باشد (۱۳۹۲/۰۲/۱۶).	۲۵
قانون راهگشا می تواند جنبه ی امیدبخشی داشته باشد	اهمیت کشور به تنظیم قوانین این کشور است. ما در همه ی مسائل احتیاج داریم به قانون های راهگشا. نمایندگان مجلس حقیقت را نگاه کنند، نیاز را بشناسند، برطبق نیاز، درست آن درمان لازم را برای هر درد و هر شکایتی جلوی پای مسئولین بگذارند. قانون باید راهگشا باشد. قانونی که راه را ببندد، کارها را مشکل کند، یا قابل اجرا نباشد، یا مشکلات فراوان درست کند، یا دچار تناقض باشد، فایده ندارد. صرف اینکه ما بنشینیم یک قانونی تهیه و تنظیم کنیم، کافی نیست؛ بدانیم که قانون بایستی راهگشا باشد، مدبرانه باشد (۱۳۹۰/۱۲/۱۸).	۲۶
رجوع به قانون باعث حل بسیاری از مشکلات آینده می شود	قانون گرائی در انتخابات [مهم است]، وفاداری به قانون، احترام به رأی مردم. اینجور نباشد که اگر چنانچه انتخابات بر طبق نظر و میل ما انجام گرفت، این را ما قبول داشته باشیم؛ اگر برخلاف نظر ما بود، «و ان یکن لهم الحق یأتوا الیه مذعبن» (نور: ۴۹). اگر حق را به ما دادند، آنی که ما می خواهیم، سر کار آمد، قانون را قبول داریم؛ اگر آنی که ما می خواهیم، سر کار نیامد، می زنیم زیر قانون؛ نه قانون را قبول داریم، نه رأی مردم را قبول داریم؛ این نمی شود. ... ممکن است کسی بعد از انتخابات اعتراض داشته باشد؛ خیلی خوب، این اعتراض ایرادی ندارد؛ اما راه قانونی دارد که چگونه باید این اعتراض را بیان و	۲۷

	دنبال کرد. اگر قانون را قبول داریم، باید از آن راه برویم (۱۳۹۰/۰۷/۲۰)	
اصلاح قوانین مسیر آینده کشور را هموار می کند	قوانین و مقررات در داخل قوه قضائیه بایستی مورد توجه قرار بگیرد، مورد تجدیدنظر قرار بگیرد، قوانین لازم به میدان بیاید. البته ما اطلاع داریم که آئین دادرسی و قوانین جزا، با تفصیل فراوان، در چرخه تصویب قرار دارد؛ این بایستی به کل قوانین تعمیم پیدا کند. گاهی یک قانون غلط باقیمانده‌ی از دوران طاغوت-دورانی که اساس قوه قضائیه بر مبنای غلطی بود- مشکلاتی را ایجاد می کند. تعارض در قوانین، مشکلات گوناگونی را برای دادگاه‌ها به وجود می آورد (۱۳۸۹/۴/۷)	۲۸
التزام ملت و مسئولین بر رعایت الزام به قانون	حد و مرز، قانون است. همه باید الزامات قانونی را بپذیرند و تسلیم الزامات قانونی بشوند. قانون حد فاصل حق و باطل است در حرکت و مشی ملت و مسئولین. قانون را نباید دور زد (۱۳۸۶/۱۱/۱۹)	۲۹
مسئولان عالی کشور در برابر قانون برابرند	رهبر، رئیس جمهور، وزرا و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیم‌اند و باید تسلیم باشند (۱۳۸۲/۹/۲۶)	۳۰
مرز میان عدالت و بی عدالتی، قانونی است که بر اساس احکام اسلامی باشد	معیار و شاخص عدل... عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی عدالتی است. و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه‌ی قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده‌اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که برطبق قانون عمل بشود (۱۳۸۸/۴/۷)	۳۱
دو شاخصه مهم هر قانون؛ انطباق آن با ارزش‌های اسلامی و همسو بودن با نیازهای جامعه و مردم	مجلس قوه‌ی مفکره‌ی کشور است. فکر در لباس قانون تجلی می کند، بعد در سراسر وجود کشور جریان پیدا می کند. چیزی که دائم باید در نظر باشد، این است که ببینم فکر این قوه‌ی مفکره اولاً نسبتش با ارزش‌های اساسی انقلاب چیست - چون این شاخه‌ی روئیده بر بدنه‌ی عظیم و قد کشیده و مستحکم انقلاب است دیگر - ثانیاً نسبتش با جامعه، با مشکلات کشور و با نیازهای مردم چیست. یک نگاه به مبدأ، یک نگاه به متتها؛ یک نگاه به خاستگاه، یک نگاه به هدف؛ این باید روشن باشد. اگر این شد، آن وقت قوانین، هم اصیل خواهد بود، درست خواهد بود، صحیح خواهد بود، هم کارآمد خواهد بود. اگر اوکی نباشد، قانون مثل شاخه‌ی از درخت بریده است؛ اصالت خود را از دست خواهد داد و دیگر قانون اصیلی نیست. اگر دومی نباشد، قانون اصیل است، مشروعیت دارد، اما مقبولیت ندارد. اگر منطبق بر خواست‌های جامعه و نیازهای فوری و به‌روز و نیز نیازهای بلندمدت جامعه نباشد، آن وقت دیگر مقبولیت نخواهد داشت به حسب	۳۲

	هر مقداری که در آن جهت کمبود دارد (۱۳۸۷/۰۴/۰۳)	
قانون باید بر اساس احکام اسلامی وضع شود	حکومت، حکومت دینی است؛ رسماً، قانوناً، برطبق قانون اساسی. هر حرکتی، هر قانونی که برخلاف شریعت اسلامی باشد، منسوخ است (۱۳۸۷/۲/۲۳)	۳۳
باید به قانون جاری و جزمیت یافته اهمیت داده شود و در صورت لزوم اصلاح قانون انجام شود	قانون را اهمیت بدهید. قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند. ممکن است... مجلس یا دولت یا دیگران مقدماتی فراهم کنند که آن قانون عوض بشود - با طرح‌هایی که در مجلس می‌آید، با لویحی که دولت می‌دهد، با تصمیم‌سازی‌هایی که در بخش‌های مختلف انجام می‌گیرد - عیبی ندارد؛ اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود. من این را تأکید می‌کنم. در بخش‌های مختلف همین‌جور است. ممکن است یک چیزی را شما معتقد باشید که روال قانونی‌اش درست طی نشده، یا متصدی این کار قوه‌ی مجریه نیست؛ وقتی که قانون مجلس - با همان ساز و کار قانون اساسی - به دولت ابلاغ شد، قوه‌ی مجریه باید آن را قانون بداند. حالا اگر چنانچه ضعف یا چیز دیگری وجود دارد، عوامل دیگری وجود دارد که اگر قانون مشکلاتی دارد، بایستی آن را از بین ببرند؛ چه در خود مجلس، چه در شورای نگهبان و از این قبیل. به قانون اهمیت بدهید (۱۳۸۷/۰۶/۰۲).	۳۴

تبدیل مضامین

در مرحله بعد، پس از استخراج مضامین پایه‌ای، در جهت یافتن مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر؛ این مضامین پایه‌ای بازآرایی شده تا در انتها شبکه‌های مضمونی مورد نظر ترسیم شود. در واقع در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه به مضامین انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر، فراگیرتر و مرکزی‌تر رهنمون سازد (ردادی، ۱۳۹۴، ۶۷).

تبدیل مضامین قانون‌مداری

تبدیل مضامین قانون‌مداری در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای	ردیف
سعادت‌مندی کشور منوط به اجرای درست قانون	با اجرای صحیح قانون، همه مردم متفع خواهند شد	دستیابی به اهداف، منوط به اجرای درست قانون است	۱
		معیار و ملاک عمل، قانون است	۲

است		با تصویب قانون، همه طبقات اعم از فقیر و غنی منتفع شوند	۳
	قانون سعادت آفرین است	قانون صحیح می تواند باعث سعادت کشور شود	۴
جامعیت، یکسان بودن و حذف قوانین نادرست، از ویژگی های افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود	قوانینی که به جامعه آسیب می رسانند، باید حذف شوند	عدم لزوم تصویب قوانین فاقد ظرفیت عملیاتی شدن	۵
		قوانین غیرکارشناسی شده می توانند مخلاً نظام اقتصادی باشند	۶
		حذف یا اصلاح قوانین فاقد منطق و منطبق با مقتضیات زمان	۷
		نمایندگان باید از تصویب قوانین فسادزا جلوگیری کنند	۸
		در وضع قانون، باید کیفیت و انسجام را در نظر گرفت	۹
		قانون باید جامع و کامل باشد	۱۰
		در برخی موارد، تکثر قانون مشکل ایجاد می کند	۱۱
		قانون نباید بر اساس منافع شخصی تنظیم شود	۱۲
		عمل نکردن به قوانین هرچند ناقص و معیوب، نباید در بین دستگاه ها نهادینه شود	۱۳
		در مرحله عمل به قانون، ضابطه بر مصلحت اندیشی باید مقدم باشد	۱۴
همه آحاد جامعه اعم از نخبگان و مردم در برابر قانون مساوی هستند	۱۵		
انتهای مسیر بی قانونی دیکتاتوری و عقب ماندگی امور کشور است	عمل نکردن به قانون راه بی قانونی های بیشتر را باز می کند که به دیکتاتوری ختم می شود	نقض قانون، بی قانونی های گسترده تری را در پی دارد	۱۶
		عدم تمکین به قانون روح دیکتاتوری را در درون انسان بیدار خواهد کرد	۱۷
	عدم تمکین توده مردم به قانون مانع پیشرفت و انسجام است	رواج بی قانونی موجب بن بست امور خواهد شد	۱۸
		عادت مردم به قانون گریزی عامل عقب ماندگی و انحطاط کشور است	۱۹

		حدود و تقور قانون باید منطبق بر نیازهای کل جامعه باشد	۲۰
	قوانینی که بر اساس منافع شخصی باشد، باید اصلاح شود	نقض قوانین توسط مسئولان، به عادتی جهت تداوم قانون شکنی منجر خواهد شد	۲۱
		نتایج بی قانونی از تلخی تحمل قانون سخت تر است	۲۲
حرکت بر اساس قانون		محدودیت قانون به معنای هدایت و حرکت در مسیر درست است	۲۳
مداری منجر به حفظ وحدت و انسجام هرچه بیشتر افراد جامعه خواهد بود	تبعیت از قانون منجر به افزایش وحدت و حرکت در مسیر صحیح خواهد شد	تبعیت از قانون باعث آرامش و حفظ وحدت ملی خواهد شد	۲۴
تأمین آینده کشور در گرو قانون مداری همه مسئولان است که تقویت سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت	اظهار نظر مسئولان بر اساس قانون، موجب تأمین آینده کشور به ویژه التزام ملت بر رعایت آن می شود	اظهار نظر مسئولان باید بر اساس قانون باشد	۲۵
		قانون راهگشا می تواند جنبه امیدبخشی داشته باشد	۲۶
		رجوع به قانون باعث حل بسیاری از مشکلات آینده می شود	۲۷
		اصلاح قوانین مسیر آینده کشور را شفاف می کند	۲۸
		التزام ملت و مسئولین بر رعایت الزام به قانون	۲۹
		مسئولان عالی کشور در برابر قانون برابرند	۳۰
ابتناء قوانین بر احکام الهی، عدالت را به همراه دارد	اهمیت قانون در این است که منطبق با نیازهای مردم و بر اساس احکام اسلامی باشد	مرز میان عدالت و بی عدالتی، قانونی است که بر اساس احکام اسلامی باشد	۳۱
		دو شاخصه مهم هر قانون؛ انطباق آن با ارزش های اسلامی و همسوی بودن با نیازهای جامعه و مردم	۳۲
		قانون باید بر اساس احکام اسلامی وضع شود	۳۳
		باید به قانون جاری و جزمیت یافته اهمیت داده شود و در صورت لزوم اصلاح قانون انجام شود	۳۴

تشریح و کشف شبکه‌ی مضامین

در این بخش، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به تشریح و کشف شبکه‌ی مضامین هنجار قانون مداری، در منظومه فکری مقام معظم رهبری اشاره کند. پس از بازمینی و تصحیح چندباره شبکه‌ی مضامین قانون و قانون مداری، از تعداد ۳۴ مضمون پایه‌ای، نهایتاً ۶ مضمون فراگیر به عنوان مضامین اصلی‌تر و مرکزی‌تر به دست آمد؛ که در ادامه به بررسی و تحلیل هر کدام از این مضامین پرداخته می‌شود.

۱. سعادت‌مندی کشور منوط به اجرای درست قانون است

اجرای صحیح و کامل مفاد قانون اساسی، ضامن استقلال، آزادی، رفع مشکلات مردم، افزایش رضایت‌مندی و اطمینان، اعتماد عمومی و در یک کلام سعادت‌مندی کشور است. با نگاه به فرمایشات مقام معظم رهبری، می‌توان دریافت که اگر قانون، درست و قابل اجرا باشد و از ضمانت‌های اجرای آن بدرستی استفاده شود، کشور می‌تواند به هدف‌های والای خود دست یابد.

۲. جامعیت، یکسان بودن و حذف قوانین نادرست، از ویژگی‌های افزایش سرمایه

اجتماعی خواهد بود

از جمله عواملی که می‌تواند موجبات شکوفایی سرمایه اجتماعی را فراهم کند، حکمرانی خوب است که از طریق جامعیت، یکسان بودن و حذف قوانین نادرست حاصل می‌شود. تا آنجا که می‌توان استدلال کرد، حکمرانی خوب در نتیجه اجرای درست قوانین که برای همه مردم یکسان است، سبب افزایش و بالا رفتن سطح سرمایه اجتماعی خواهد شد. از منظومه فکری مقام معظم رهبری اینگونه مستفاد می‌شود که باید از اعمال شدن قوانین نادرست، و لو اینکه با اراده مسئولان وضع شده باشد، جلوگیری کرد تا بتوان حکمرانی خوب را در جامعه ایجاد کرد.

۳. انتهای مسیر بی قانونی دیکتاتوری و عقب‌ماندگی امور کشور است

در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای قانون مداری یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های یک دولت اسلامی مطلوب می‌باشد. در این دیدگاه قانون همانند یک ریلی می‌ماند که خروج از آن حتماً موجب آسیب و صدمه دیدن می‌شود. این آسیب هم گریبانگیر خود فرد (به ویژه اگر از نخبگان و کارگزاران باشد) می‌شود از این حیث که اولاً در نظر مردم جایگاه بدی پیدا می‌کند و از او رویگردان خواهند شد و ثانیاً آن روح دیکتاتور ماثبانه‌ای که هر شخصی در درون نفس خود دارد را تقویت و بر او مسلط می‌نماید. همچنین این شکستن قانون موجبات باز شدن راه بی قانونی

گسترده‌تر برای توده مردم خواهد شد و در نتیجه آسیب اجتماعی را به کشور خواهد زد که مانع از پیشرفت و صلاح و انسجام می‌گردد.

۴. حرکت بر اساس قانون‌مداری منجر به حفظ وحدت و انسجام هرچه بیشتر افراد

جامعه خواهد بود

محدودیت قانون در بسیاری از مواقع، جلوی خودسری‌های گوناگون مسئولان کشور را می‌گیرد. در این راستا، با حاکمیت یافتن قانون است که راه‌های انحراف و عقب‌گرد برای همیشه بسته خواهد شد. با بررسی، فرمایشات آیت الله خامنه‌ای می‌توان چنین استنباط کرد که؛ از آنجا که قانون راه درست و صحیح را نشان می‌دهد و با التزام به آن، آسایش کشور حاصل و به دوربودن از فتنه‌ها و بحران‌ها تضمین می‌شود در نتیجه وحدت ملی را حفظ و سرمایه اجتماعی را افزایش خواهد داد.

۵. تأمین آینده کشور در گرو قانون‌مداری همه مسئولان است که تحکیم سرمایه

اجتماعی را در پی خواهد داشت

هر اندازه که قانون‌مداری و نظم در کشور ارزشمند باشد و از سوی همه مردم به ویژه مسئولان و نخبگان مورد رعایت قرار بگیرد به همان اندازه نیز بنیان جامعه مستحکم‌تر و سرمایه اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. و در طرف مقابل بی‌نظمی و قانون‌گریزی شهروندان و نخبگان حتماً موجبات سست‌شدن همبستگی افراد و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌گردد. بنابراین در منظومه فکری مقام معظم رهبری، این مفهوم دریافت می‌شود که با قانون‌مداری همه مسئولین، رضایتمندی مردم از ایشان و از نظام اسلامی حاصل و آینده کشور به خوبی رقم می‌خورد.

۶. ابتناء قوانین بر احکام الهی، عدالت را به همراه دارد

یکی از اهداف عالی برقراری حکومت اسلامی رفع ظلم و برقراری عدالت بین همه افراد جامعه است و از طرفی کارکرد اصلی قانون هم، تنظیم رفتارهای متزاحم اعضای یک جامعه است، که به طور طبیعی عمدتاً به تعارض با یکدیگر می‌انجامد. به عبارت دیگر نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی، ایجاد نظم، برقراری عدالت و فراهم نمودن زمینه‌های تکامل انسان است. لذا از منظومه فکری مقام معظم رهبری اینگونه مستفاد می‌شود که اگر همه در برابر حق و قانونی که مبتنی بر احکام و دستورهای خداوند متعال است فروتن باشند، لازمه بارز آن قانون‌مداری و گذشت از حق خود به نفع دیگران است که می‌تواند عدالت را در جامعه به همراه آورد.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی به عنوان موضوعی که در سالیان اخیر در حوزه جامعه‌شناسی مورد استقبال فراوانی قرار گرفته و از ویژگی فوق‌العاده‌ای در بازسازی ساخت جامعه برخوردار است. به عقیده برخی اندیشمندان هنجارها به عنوان منابع بالفعل و بالقوه می‌توانند شبکه‌ی اعتمادی را در بین افراد ایجاد کند که در بهبود روابط تجاری، توسعه و حکمرانی خوب ضروری است. از همین رو این هنجارها و عوامل ارتقای سرمایه اجتماعی به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری بالا در تحکیم بنیان حکومت‌ها و جوامع، همواره مورد نظر اندیشمندان و حاکمان بوده است. «قانون‌مداری» یکی از این هنجارها و عوامل است که نقشی مهم در ساخت قانده‌مند جامعه و ارتقاء و تحکیم سرمایه اجتماعی ایفا می‌کند. در این پژوهش ضمن توضیح و تبیین روش تحلیل مضمون به عنوان یک روش تحلیل کیفی داده‌های متنی، بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای بین سال‌های ۱۳۳۸ تا بهار ۱۴۰۲، با تکنیک تحلیل شبکه‌ی مضامین در ارتباط با مؤلفه قانون‌مداری مورد بررسی قرار گرفت. در مورد قانون‌مداری به عنوان یکی از عوامل ارتقای سرمایه اجتماعی باید گفت، بعد از استخراج و مطالعه دقیق ۹۵۰ داده متن اصلی، تعداد ۳۴ مضمون پایه‌ای و اولیه استخراج شد. سپس با سازماندهی مجدد این مضامین پایه‌ای، تجزیه و تحلیل لازم بر روی متن در جهت دستیابی به مضامین انتزاعی‌تر (سازمان دهنده و فراگیر) صورت گرفت تا در نهایت ۶ مضمون مرکزی و فراگیر قانون‌مداری در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای به دست آمد. که عبارتند از:

۱. سعادت‌مندی کشور منوط به اجرای درست قانون است.
 ۲. جامعیت، یکسان بودن و حذف قوانین نادرست، از ویژگی‌های افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود.
 ۳. انتهای مسیر بی قانونی دیکتاتوری و عقب‌ماندگی امور کشور است.
 ۴. حرکت بر اساس قانون‌مداری منجر به حفظ وحدت و انسجام هرچه بیشتر افراد جامعه خواهد بود.
 ۵. تأمین آینده کشور در گرو قانون‌مداری همه مسئولان است که تحکیم سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت.
 ۶. ابتناء قوانین بر احکام الهی، عدالت را به همراه دارد.
- راهکارها: آنچه که از تحلیل مضامین فوق به دست می‌آید این است که در موضوع

قانون‌مداری، توجه به چند مسئله از تدابیر و راهکارهای واقعی ارتقای سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید؛ نخست: همه افراد جامعه به ویژه کارگزاران و نخبگان نسبت به پایبندی به قانون کاملاً متعهد باشند دوم: قوه مقننه با یک عزم جدی به دنبال تنقیح و اصلاح قوانین زائد، ناقص، متضاد و مبهم باشد سوم: نظارت بر اجرای درست و صحیح و به موقع قانون نیز یکی دیگر از وظایف روشن و غیرقابل چشم‌پوشی از سوی مراکز مربوطه می‌باشد، که می‌تواند تا حد بسیاری در بهبود اعتماد و ارتقای سرمایه اجتماعی مؤثر باشد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۴). لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.

راسخ، محمد (۱۳۹۵). ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، مجلس و پژوهش، ۱۳ (۵۱)، ۴۰-۱۳.

ردادی، محسن (۱۳۹۴). تحلیل مضمون اعتماد در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، جستارهای سیاسی معاصر،

۶ (۱۷)، ۵۳-۷۲.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۴). شیعه در اسلام، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی؛ محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون

و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه

مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاستگذاری عمومی،

سیاستگذاری عمومی، ۴ (۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

Berraies, S. et al (2020). Social capital, employees' well-being and knowledge sharing: does enterprise social networks use matter? Case of Tunisian knowledge-intensive firms. *Journal of Intellectual Capital, Intellect. Cap.* 21. 1153-1183.

Bhandar Humnath and Yasunobu Kumi (2009). What Is Social Capital? A Comprehensive Review of the Concept, *Asian Journal of Social Science*. Volume 37, Number 3. 480-510.

Bowles. S., Gintis, H. (2002). "Social capital and community governance". *Economic Journal* 112 (483). 419-436.

Claridge, T (2018). "Introduction to Social Capital Theory" *Social Capital research, SOCAP101*.

Durlauf. steven n. and Fafchamps. Marcel (2005). *Social capital, Handbook of Economic Growth*. Harvard University. Volume 1B.

Guomundsson. gestur and Mikiewicz. Piotr (2012). "The concept of social capital and its usage in educational studies". *studia edukacyjne*. nr 22. 55-79.

Hanifan. L. J. (1916). "The Rural School Community Center". *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, vol.67, no 1. 130-138.

Hanifan. Lyda Judson (1920). *The Community Center*, Boston: Silver, Burdette, and Co.

Lin. N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Motkuri. Venkatanarayana (2018). Some Notes on the Concept of Social Capital: A Review of Perspectives, Definitions and Measurement. Freelance Research Consultant at Hyderabad (India).
- Nahapiet. J. and Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Acad. Manage. Rev.* 23
- Ortiz. Beatriz et al. (2019). "Social capital as a theoretical approach in Strategic Management". *Cuadernos de Gestión* Vol. 19, No 2. 137-158.
- Ostrom. E. (2000). Social capital: A fad or fundamental concept World Bank. Washington, DC, available: <http://www.terrame.org/lib/exe/fetch.php?media=ppt:ostrom-social-capital.pdf>
- Putnam. R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam. Robert D. et al (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton university press.
- Woolcock M (1998). "Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework" *Theory and Soc* 27. 151-208.
- World Bank (2011) What is social capital?. available: <https://documents1.worldbank.org/curated/en/663341468174869302/pdf/multi-page.pdf>.
- WWW.<https://farsi.khamenei.ir/speech>.